فصلنامه مطالعات بین رشته ای انقلاب اسلامی

دوره ۱، شماره ۱، تابستان ۱۴۰۵،صص۷۹-۶۳

بایسته های ساختاری و نرم افزاری در نظام انقلابی

حامد تیموری[۱]

فائزه مومنی[۲]

چکیده

انقلابی‌گری دال مرکزی در چرخه مدیریت تمدن نوین اسلامی است که در کلیه مراحل نظام‌سازی، دولت‌سازی و جامعه‌پردازی ظهور و بروز دارد. بر این اساس، پیوست انقلابی‌گری شرط لازم برای پویایی نظام و الزامی مستحکم جهت تحقق حکمرانی اسلامی به شمار می‌رود. پژوهش حاضر با هدف تبیین بایسته‌های ساختاری و نرم‌افزاری نظریه «نظام انقلابی» و ارائه دلالت‌های راهبردی آن در ساحت حکمرانی سامان یافته است. پرسش اصلی تحقیق آن است که الزامات ساختاری و نرم‌افزاری برای تحقق و تداوم نظام انقلابی کدام‌اند و چگونه در ساختارها نهادینه می‌شوند؟ این پژوهش از نظر هدف، بنیادی-کاربردی بوده و با رویکرد کیفی و روش تحلیل اسنادی انجام شده است. داده‌ها از طریق فیش‌برداری هدفمند از اسناد بالادستی و بیانات رهبر معظم انقلاب گردآوری و با استفاده از مکانیسم کدگذاری (باز و محوری) تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که امتداد نظام انقلابی نیازمند هفت بایسته اساسی است: «پویایی و انعطاف ساختاری»، «ساختار مشارکت‌پذیر و غیرمتمرکز»، «خاصیت تعیین‌کنندگی ارزش‌ها»، «عقلانیت و عدالت‌محوری»، «اخلاق‌محوری و مردم‌پایه بودن»، «درون‌زایی و تاب‌آوری» و «دانش‌بنیان و خلاق‌محور بودن». در نهایت، پژوهش حاضر برای خروج از سطح انتزاعی، الزامات راهبردی و سیاستیِ هر یک از این بایسته‌ها را جهت پیاده‌سازی در رویه‌های نهادی، ساختار دیوان‌سالاری و مدیریت ارتباطات کشور ارائه نموده است.

واژگان کلیدی: نظریه نظام انقلابی، مدیریت راهبردی، حکمرانی اسلامی، بایسته‌های ساختاری، تمدن نوین اسلامی، بیانیه گام دوم.

۱.دکتری مدیریت رسانه

۲. کارشناسی ارشد مدیریت دولتی و طلبه حوزه علمیه

[Downloaded from revlink.ir on 2026-11-05]

مقدمه و بیان مساله

یکی از ویژگی‌های موثر انقلاب اسلامی، خاصیت بسط مفهومی آن در تمامی جوانب و شاکله های سیاسی و اجتماعی است. تا جایی که وقتی انقلاب اسلامی به پیروزی رسید ظرفیت و قابلیت صدور آن به بیرون از مرزها، به موازات اثرگذاری داخل مرزها بود. گفتمان انقلابی‌گری این ظرفیت را داشت تا محدودیت ها را کاهش دهد و در مقابل بر گستره توانایی ها بیافزاید. اگر این ظرفیت گفتمانی وجود نداشت غلبه بر تحریم و جنگ تحمیلی ناممکن می نمود. انقلاب و گفتمان آن نه تنها ظرفیت و قابلیت انقلابی‌گری را در خود نهادینه داشت که با وجود اتکا به قدرت مردمی نوعی گفتمان بی رقیب نیز محسوب می شد. تا جایی که می‌توان اینگونه گفت که گام نخست انقلاب اسلامی با وجود بسیاری از فراز و نشیب ها تنها گفتمان بی بدیل انقلاب اسلامی بود. اهمیت بی رقیب بودن گفتمان انقلاب در عین اینکه یکی از ظرفیت های مثال زدنی آن است بستر روندپژوهی موثری می باشد که می تواند تصویر سازی از این گفتمان را موثرتر جلوه دهد. نمونه چنین تصویرسازی را در بیانیه گام دوم انقلاب و تاکیدات مقام معظم رهبری در حال شاهد هستیم که تاکید ایشان بر مولفه های مهم و روندساز در گام دوم می‌تواند گفتمان انقلاب را غنی تر و قوی از گام نخست سازد؛ چرا که این گفتمان بی رقیب با وجود تاکیدات مقام معظم رهبری در رویکردهای ۷ گانه، می‌تواند بر گستره و دوایر اثرگذاری و نیز ظرفیت سازی خود بیافزاید. شاید از این منظر نیز باشد که رهبرمعظم انقلاب روند انقلاب و نظام انقلابی را پویا و نه ایستا و البته ابدی وصف نموده اند. از این منظر در این نوشتار تلاش کردیم که با تکیه بر چارچوب نظام انقلابی به این مهم بپردازیم که بایسته های ساختاری و نرم افزاری نظام انقلابی چیست و مسیر تحول و امتداد نظام انقلابی با چه الزاماتی بهتر میسر می شود. به بیان دیگر مفروضات حاکم بر بسط حوزه نظری و عملی نظام انقلابی چیست و این تحول با چه ابزارهای عینی و ذهنی قابل تجسم و تصور است.

الف) چارچوب مفهومی و مفاهیم بنیادین

۱.انقلاب اسلامی؛ تحول و تکامل

انقلاب اسلامی ایران برخلاف انقلاب‌ها و جنبش‌های معاصر ایران، انقلابی فراگیر و شامل بود و این از دو جنبه قابل اشاره است؛ هم به لحاظ هدف‌ها و آرمان‌ها و هم به لحاظ شرکت آحاد مردم در آن‌که حول یک هدف بلند و همه‌جانبه گردآمده بودند. (مطهری، ۱۳۸۷: ۳۵) همان‌گونه که انقلاب اسلامی ناشی از همکاری علل و عوامل گوناگون بود، هدف و آرمان آن نیز فراگیر و گسترده بود؛ یعنی درعین اهداف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و انسانی، دارای هدف‌های اسلامی و مذهبی نیز بوده است. بر این اساس، مبارزه ملت ایران تنها قیام علیه استیلای سیاسی، استعمار اقتصادی، استبداد داخلی، فقدان توسعه، جدایی دین از سیاست، نظام طبقاتی و فرهنگ و ایدئولوژی‌های غربی نبود، بلکه انقلابی علیه همه این‌ها و به‌منظور استقرار نظام مستقل، اسلامی، مردمی و ملی بود و مردم در شعارهای خود، همه هدف‌ها و آرمان‌های خود را

[Downloaded from revlink.ir on 2026-11-05]

مشخص کرده، مُهر فرهنگ و هویت خود را به آن می‌زدند. انقلاب اسلامی، درپی عدالت‌خواهی، آزادیخواهی، استقلال‌طلبی، اثبات هویت خودی، تثبیت ارزش‌ها و معیارهای مکتبی، استقرار نظام حکومتی اسلام و...بود. در راستای همین شمول هدف‌ها و آرمان‌ها، هیچ قشر و طبقه خاصی به‌طور مشخص انقلاب را منحصر به خود نکرد و مردم به‌طور یکپارچه و فراگیر در آن دخیل بودند. علاوه بر همه قشرهای مردم، همه جریان‌ها و گروه‌های سیاسی باسلیقه‌ها و گرایش‌های مختلف در آن شرکت فعّال داشتند. (عمید زنجانی، ۱۳۸٤: ۲٦) این نکته قابل پردازش است که گفتمان انقلاب اسلامی در چارچوب آرمان ها و با توجه به دستاوردها است که همواره تکامل داشته و دارد. از این رو انقلاب اسلامی ایران انقلابی است که به پایان نمی رسد، چون دستاوردهایش در قیاس با آرمان ها و ارمان ها مکمل دستاوردها است.

۲.نظریه نظام انقلابی

نظریه نظام انقلابی، نظریه ای است که به عنوان عقبه فکری و نظری نظام اسلامی به روش اجتهادی پردازش شده است. رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب این نظریه را اینگونه بیان فرموده اند: «انقلاب تمام نمی شود، انقلاب استمرار دارد، انقلاب ادامه دارد، انقلاب متوقف نمی شود. یک صیرورتی وجود دارد، صیرورت یعنی شدن، شدن دائم، تحول دائمی؛ در مسیر انقلاب یک صیرورت دائمی ای وجود دارد که این صیرورت دائمی، بتدریج آن آرزوهای بزرگ را، آن ارزش های والا را، آن آرمان ها را در جامعه تحقق می بخشد.» (بیانات رهبری، ۹۷/۳/۷) بنابراین در نظریه نظام انقلابی، انقلاب اسلامی با نظام سازی و ایجاد یک ساخت سیاسی به نام جمهوری اسلامی ایران متوقف نشده و در مقتضیات و الزامات و چارچوبهای مرسوم نظام های سیاسی هضم نمی گردد، بلکه به مثابه یک روح و جوهره قدرتمند، خود را پیوسته بر ساختارها و الزامات مقاطع گوناگون دولت سازی، جامعه پردازی و...تحمیل می کند. به عبارتی دیگر، انقلاب اسلامی همواره در تحول و جوششی مستمر و دائمی به سوی آرمان های متعالی و فرازمانی خود، در حرکت است و محدود به اهداف و مقتضیات زمانی و مکانی نخواهد شد.

ب) پیشینه پژوهش

مطالعات انجام‌شـــده در زمینه مفهوم‌پردازی «نظریه نظام انقلابی» را می‌توان از منظر رویکرد و تمرکز موضـــوعی به ســـه دسته اصلی تقسیم کرد: مبانی هستی‌شناختی و روش‌شناختی، چیستی و تداوم نظام، و در نهایت جامعه‌پردازی و نقش نیروی انسانی.

در دسته اول، پژوهش‌هایی قرار می‌گیرند که به ریشه‌های فلسفی و روشی این نظریه پرداخته‌اند. پاکیزه (۱٤۰۰) در تبیین مبانی و اصول هستی شناختی نظام انقلابی، گزاره‌های کلی دینی نظیر توحید، معاد، نبوت، ولایت و عدالت را به عنوان پایه‌های این نظام معرفی می‌کند. وی تأکید دارد که از بطن این مبانی، اصـــولی چون هدفمندی حیات، کارآمدی دین در تمدن‌سازی و قانون‌گرایی استخراج می‌شود و نقش انسان کامل در بازآفرینی این مبانی در جامعه برجسته است. از سوی

[Downloaded from revlink.ir on 2026-11-05]

دیگر، عبدی (۱۳۹۹) از منظر روش‌شناسی به تقابل دو نظریه «نظام انقلابی» و «انحطاط تاریخی» پرداخته است. او نشان می‌دهد که جریان روشنفکری دینی با اتکا به نظریه نظام انقلابی در پی تأمین استقلال فکری، اقتصادی و فرهنگی است، در حالی که جریان رقیب (نظریه انحطاط)، مسیر تعاملات و پذیرش الگوهای غربی را تجویز می‌کند.

دسته دوم مطالعات، بر امکان‌سنجی همزیستی نهضت و نهاد متمرکز هستند. کوهساری و جوکار (۱۴۰۱) با نقد نظریات مدرن و غربی انقلاب که رأی به امتناع همزیستی انقلاب و نظام مستقر می‌دهند، استدلال می‌کنند که چون ریشه انقلاب اسلامی در یک تحول درونی و باطنی در انسان‌هاست، مأموریت آن با تأسیس نظام پایان نمی‌یابد. بر این اساس، تحقق نظام انقلابی به معنای تداوم این تحول روحی و بازتولید آن در ساختار حکومت برای رسیدن به عدالت کاملاً ممکن و ضروری است.

دسته سوم، به کارکرد نظام انقلابی در جامعه‌سازی و تمدن‌سازی توجه دارند. سرپرست سادات (۱۳۹۸) بیان می‌دارد که راهبرد اصلی برای نیل به جامعه اسلامی در گام دوم انقلاب، تحقق دولت اسلامی از رهگذر نظام انقلابی است. او استدلال می‌کند که میان جوشش انقلابیِ مستمر و نظم سیاسی-اجتماعی تضادی وجود ندارد، بلکه این نظام انقلابی است که بستر سازندگی، توسعه و تمدن‌آفرینی را فراهم می سازد. در همین راستا و با تمرکز بر کارگزاران این نظام، رادمهر و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی عامل انسانی پرداخته و مؤلفه‌هایی چون معنویت، عدالت‌خواهی، بصیرت، انقلابی‌گری، خودباوری و اخلاق‌مداری را به عنوان شاخصه‌ها و بایسته‌های جوانان تمدن‌ساز در تراز نظام انقلابی معرفی می‌کنند.

تحلیل انتقادی و نوآوری پژوهش حاضر:

مرور ادبیات فوق نشان می‌دهد که اگرچه محققان به خوبی ابعاد هستی‌شناختی، روش‌شناختی، امکان‌سنجی تداوم انقلاب و کارکردهای جامعه‌پردازانه و نقش نیروی انسانی را در نظریه نظام انقلابی شکافته‌اند؛ اما کماکان یک خلأ جدی در حوزه «مدیریت راهبردی و ساختاری» این نظریه به چشم می‌خورد. در واقع، بیشتر مطالعات در سطح تبیین چیستی، چرایی و آرمان‌های نظریه نظام انقلابی متمرکز مانده‌اند و کمتر پژوهشی به صورت ساختاریافته به این پرسش پاسخ داده است که برای پیاده‌سازی و امتداد این نظام، دقیقاً چه مکانیزم‌ها، رویه‌ها و بایسته‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در ساختار حکمرانی نیاز است. از این رو، نوآوری نوشتار حاضر در گذر از مباحث توصیفی-انتزاعی و ورود به عرصه کاربردی و تجویزی است تا مفروضات اصلی حاکم بر مدیریت نظام انقلابی و بایسته‌های ساختاری نهادها را مدون سازد.

پ)روش شناسی پژوهش

[Downloaded from revlink.ir on 2026-11-05]

پژوهش حاضر از حیث رویکرد، کیفی و از نظر هدف، بنیادی-کاربردی با رویکرد تفسیری است. راهبرد اصلی پژوهش، استقرایی و مبتنی بر تحلیل اسنادی است. قلمرو موضوعی تحقیق، شناسایی و تبیین الزامات ساختاری و نرم‌افزاری نظریه نظام انقلابی در سطح سیاست‌گذاری و حکمرانی است.

جامعه اسنادی پژوهش را اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران، متن کامل بیانیه گام دوم انقلاب، و مجموعه‌ای از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در حوزه‌های تمدن‌سازی، مدیریت راهبردی، دولت‌سازی، جامعه‌پردازی و الزامات حکمرانی تشکیل می‌دهد. ملاک انتخاب اسناد، ارتباط مستقیم آن‌ها با مفاهیم «نظام انقلابی»، «تداوم انقلاب»، «ساختار سازی»، «کارگزار انقلابی» و «الزامات حکمرانی» بوده است. بر این اساس، اسنادی که صرفاً واجد اشارات عمومی و فاقد دلالت مفهومی یا سیاستی روشن بوده‌اند، از دایره تحلیل کنار گذاشته شدند.

گردآوری داده‌ها از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و فیش‌برداری هدفمند انجام شد. در مرحله تحلیل، نخست گزاره‌ها و مفاهیم مرتبط با ابعاد ساختاری، نرم‌افزاری، نهادی و کارگزاریِ نظام انقلابی به شیوه کدگذاری باز استخراج گردید. سپس در مرحله کدگذاری محوری، کدهای هم‌سنخ در قالب مقوله‌های میانی سازمان‌دهی شد و نسبت میان آن‌ها بر پایه منطق درونی اسناد و تکرار مفاهیم کلیدی مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت، از رهگذر تجمیع و تفسیر مقولات محوری، بایسته‌های هفت‌گانه نظام انقلابی استخراج شد.

برای افزایش اعتبار تحلیل، از سه معیار استفاده شد: نخست، کفایت مفهومی اسناد منتخب؛ دوم، بازگشت مکرر به متن اسناد برای اطمینان از سازگاری کدها با دلالت‌های اصلی متن؛ و سوم، سنجش انسجام درونی میان مقولات استخراج‌شده و پرسش اصلی پژوهش. بدین‌ترتیب، بایسته‌های نهایی نه به‌عنوان فهرستی انتزاعی، بلکه به‌مثابه الگویی مفهومی برای پیاده‌سازی در رویه‌های نهادی و سیاست‌گذاری‌های کلان تفسیر شدند.

واحد تحلیل در این پژوهش، گزاره‌ها، مفاهیم و مضامین مرتبط با ابعاد ساختاری، نرم‌افزاری، نهادی و کارگزاری نظام انقلابی در اسناد منتخب بوده است. برای افزایش اعتبار تحلیل، کدها و مقوله‌های استخراج شده چندین‌بار با متن اصلی اسناد تطبیق داده شد و انسجام درونی میان مفاهیم، مقوله‌ها و بایسته‌های نهایی مورد بازبینی قرار گرفت. همچنین تلاش شد انتخاب شواهد و استنباط‌های تحلیلی بر پایه تکرار مفاهیم کلیدی، ارتباط مستقیم با پرسش پژوهش و دلالت روشن سیاستی یا نهادی انجام شود.

[Downloaded from revlink.ir on 2026-11-05]

گزاره/مفهوم اولیه در اسناد	کد باز	مقوله محوری	بایسته نهایی
تأکید بر حفظ روحیه انقلابی همراه با اصلاح مستمر ساختارها	تحول‌پذیری نهادی	پویایی ساختار	پویایی و انعطاف ساختاری
تأکید بر نقش مردم و حلقه‌های میانی در پیشبرد امور	مشارکت اجتماعی	توزیع قدرت و کنشگری اجتماعی	ساختار مشارکت‌پذیر و غیرمتمرکز
تقدم ارزش‌ها و آرمان‌ها در جهت‌دهی نهادها	هنجارمندی نهادی	جهت‌دهی ارزشی ساختارها	خاصیت تعیین‌کنندگی ارزش‌ها و هنجارها
پیوند عقلانیت با عدالت در تصمیم‌گیری	حکمرانی عادلانه	تصمیم‌گیری عقلانی-عدالتی	عقلانیت و عدالت‌محوری
لزوم پایبندی اخلاقی و تکیه بر مردم	اخلاق سیاسی	مشروعیت مردمی و اخلاقی	اخلاق‌محوری و مردم‌پایه بودن
اتکا به ظرفیت‌های درونی و مقاومت در برابر فشارها	خوداتکایی نهادی	تاب‌آوری راهبردی	درون‌زایی و تاب‌آوری
تأکید بر علم، نوآوری و خلاقیت	یادگیری نهادی	توسعه دانشی ساختارها	دانش‌بنیان و خلاق‌محور بودن

جدول ۱. نمونه‌ای از فرایند تحلیل اسنادی و استخراج بایسته‌ها

لازم به ذکر ا ست که «الزام راهبردی» در ذیل هر بای سته، برآمده از دلالت‌های سیا ستی همان مقوله تحلیلی ا ست و نه افزوده‌ای مستقل از فرایند پژوهش. به بیان دیگر، پژوهش حاضر می‌کوشد میان سطح مفهومیِ نظریه نظام انقلابی و سطح اجراییِ حکمرانی، پیوند برقرار کند؛ ازاین‌رو هر بایسته پس از تبیین نظری، در قالب یک دلالت سیاستی یا راهبرد اجرایی نیز صورت‌بندی شده است تا امکان بهره‌برداری نهادی و مدیریتی از یافته‌ها فراهم شود.

ت)الزامات ساختاری نظام انقلابی

برخی نظریه‌پردازان و مکاتب اندیشه‌ای از انقلاب‌های اجتماعی با عنوان دروغ بزرگ و برخی چون کارکردگرایان از آن همچون یک بیماری، ناهنجاری یا عارضی موقتی یاد می‌کنند. (رحمانی دهکردی، ۱۳۷۵: ۹۳) در حالی که چنین نظریه‌هایی بر پایان دوره انقلاب‌های اجتماعی یا مقطعی بودن آن‌ها تاکید دارند، نظریه‌های دیگری وجود دارند که این گونه انقلاب‌ها را دائمی و دارای فرایندی مستمر می‌دانند. در باب انقلاب اسلامی ایران نیز این بحث میان نخبگان و مسئولان طرح شده است. عده‌ای بر پایان انقلاب اسلامی تاکیده کرده اما در مقابل برخی معتقدند انقلاب در فرایند تکامل خود قرار دارد. رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم نشان داده‌اند که معتقد به انقلاب دائمی هستند که البته این بحث را می‌توان در چارچوب جهان‌بینی اسلامی تعریف کرد. (سرپرست سادات، ۱۳۹۸: ۲۷۸) در واقع باید گفت انقلاب اسلامی به عنوان انقلابی برخاسته از مکتب اسلام و متلزم بدان، حامل معارف، اندیشه‌ها و ایده‌های است که فراتر از زمان و مکان و فراتر از مرزبندی‌های متعارف دولت – ملت‌ها، همواره برای پویایی و حرکت جامعه بشری موردنیاز، کارآمد، مترقی و راهگشاست.

نگاه جهان‌شمول انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن، باعث شده این اندیشه، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود بداند که این آرمان در اصل ۱۵٤ قانون اساسی بازتاب یافته است: « جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل

[Downloaded from revlink.ir on 2026-11-05]

جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد». انقلاب اسلامی توانست تا بر مبنای این اندیشه‌ها و شعارهای فطری، فرازمانی و جهانی خود، قلب و اندیشه بسیاری از ملل مسلمان و غیر مسلمان را جلب نماید و خود به عنوان یک راه حل برون‌رفت از نظم ظالمانه جهانی معرفی نماید. مبارزه برای نابودی همه ظواهر ظلم و ستم در جهان یکی از دیگر آرمان‌های اساسی این اندیشه است که نیاز همیشگی بشر است. (اردکانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۱). بیانیه در این زمینه بیان می‌دارد: «برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آن‌ها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد. زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، عدالت، عزت، اخلاق و...هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند.»

از سوی دیگر نیاز به انقلاب اسلامی در چارچوب جغرافیا و نظمی بنام جمهوری اسلامی ایران نیز نیازی دائمی و همیشگی است و از این جهت است که رهبر انقلاب نظریه نظام انقلابی را طرح کرده و از آن دفاع می‌نماید. بیانیه در این زمینه بیان می‌دارد: «انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی، تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند.» این نظریه ضمن این که برخلاف ظاهر، مفهومی متعارض و متناقض نیست، برآورد دستاورد چهل سال تجربه گذشته و نیز چراغ راه چهل سال آینده در گام دوم انقلاب است. تولید و کاربرد این نظریه، نشان زایندگی انقلاب اسلامی و تداوم و تکامل آن فارغ از رکود و تحجر، تجدیدنظرطلبی، محافظه‌کاری یا رویکردهای آنارشیستی است. این نظریه سه وجه فکری، عملکردی و آرمانی دارد. در حوزه اندیشه‌ای نظریه «نظام انقلابی» به چرخش ایدئولوژیک یا ترمیدور و تحریف در ارزش‌ها دچار نمی‌شود. همچنین برخلاف انتظارهای برخی احزاب و جریان‌ها، انقلاب اسلامی در چارچوب نظریه «نظام انقلابی» به سکولاریسم و وقوع نرمالیزاسیون نیز دچار نمی‌گردد. در وجه عملکردی نیز، بنا بر نظریه نظام انقلابی، انقلاب اسلامی نه خواهان برهم‌زدن آنارشی‌گونه‌ی وضع موجود است و نه به انفعال و در خودماندن نظام‌های محافظه‌کار تن می‌دهد. بر اساس نظریه نظام انقلابی، آرمان‌های اصیل انقلاب در حوزه سیاست داخلی و خارجی بدون تغییر در محتوا پیگیری خواهد شد تا زمینه برای تحقق وجه سوم نظریه که همانا تحقق تمدن درخشان اسلامی است، فراهم شود. (خوش‌طینت، ۱۳۹۸، ۷۷)با وجود ابعاد نظری پویای نظریه نظام انقلابی آنچه بسیار اهمیت دارد نحوه توجه و پردازش به بایسته های ساختاری نیز می باشد. در واقع آنچه که در بستر نظام انقلابی مهم تلقی می شود توجه به ابعاد نرم افزاری و ساختاری و تعیین چگونگی کنش ورزی کارگزار انقلابی است. در ادامه مولفه های ویژه در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته است؛

۱. پویایی و انعطاف ساختاری

[Downloaded from revlink.ir on 2026-11-05]

یکی از بایسته های ساختاری در نظام انقلابی، شاکله پویا و منعطف است؛ یعنی نظام انقلابی دچار تصلب ساختاری نیست و متناسب با مراحل تکامل و همچنین تجارب، دانش اندوخته و نقدها، خود را بازآرایی و بازسازی می‌کند. پویایی در ساختار معلول عوامل نرم افزاری و سخت افزاری می باشد. عوامل نرم‌افزاری همچون: بازتولید گفتمان انقلابی، جریان-سازی و رویدادمحوری، ترویج روحیه مقاومت و استقامت افزایی، امیدمحوری و امیدافزایی و تقویت روحیه مواجهه با گفتمان های رقیب در این زمینه قابل پردازش می باشند. البته گفتمان انقلاب اسلامی دارای ظرفیت ها و قابلیت هایی است که از ابتدا خاصیت تولید و بازتولید در آن بوده است. در واقع آنچه روند انقلابی را موثر جلوه می دهد ادبیات و گفتمان حاکم است. اما آنچه بیشتر از خاصیت نرم افزاری اهمیت دوچندان می یابد سنخیت بخشی ساختار با گفتمان است. در واقع تعامل عرصه سخت افزاری و ساختاری با چارچوب نرم افزاری و گفتمانی در عرصه نظام انقلابی بسیار با اهمیت است. نقش واسطه و محوری در این میان، وجود کارگزاران انقلابی است که به عنوان عنصر عملی و عامل ترویج دهنده گفتمان انقلابی می توانند به پویایی ساختاری کمک کنند. بنابراین لازمه پویایی و انعطاف ساختاری در سه مولفه تقویت گفتمان پروری انقلابی، کارگزار انقلابی موثر و ساختار هدایت شده قابل بررسی باشد. در ادبیات حکمرانی معاصر نیز، چابکی نهادی و توان پردازش سریع اطلاعات، از مؤلفه‌های اصلی تصمیم‌سازی راهبردی در ساختارهای پیچیده تلقی می‌شود.

الزام راهبردی: در سطح کلان، پیاده‌سازی این پویایی نیازمند بازطراحی مدل‌های مدیریت اطلاعات در نظام آموزش عالی و نهادهای علمی کشور است. ساختارهای بروکراسی باید بتوانند با رصد مستمر و جریان‌شناسی، داده‌های حیاتی را به سرعت پردازش کرده و متناسب با شرایط متغیر (به‌ویژه در تقابل با جنگ شناختی)، آرایش نهادی خود را منعطف و به‌روزرسانی کنند. در شرایط گسترش منازعات ادراکی و شناختی، ارتقای سواد رسانه‌ای و توسعه ظرفیت‌های رصد و تحلیل داده، بخشی از الزامات صیانت نرم‌افزاری از نظام حکمرانی به شمار می‌آید.

۲. ساختار مشارکت‌پذیر و غیرمتمرکز

همان‌گونه که نقش مردم در شکل‌گیری انقلاب اسلامی، بنیادین و اساسی بوده است، در تداوم انقلاب نیز این حضور تعیین کننده و حیاتی است و از این‌رو، پرهیز از تمرکزگرایی در اداره کشور و مشارکت‌پذیر و غیرمتمرکز ساختن ساختارها دارای اهمیت است. به عبارتی، مشارکت مردم به عنوان کارگزار شکل دهنده و موسس مردم سالاری دینی در جوامع اسلامی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. آنچنان که بدون وجود چنین عنصر مهمی، تحقق مردم سالاری دینی غیر ممکن است. در جمهوری اسلامی ایران به عنوان اولین نظام اسلامی برآمده از مردم سالاری دینی در عصر حاضر، مردمی بودن حکومت اسلامی در سه بعد مطرح می شود. ابعاد سه گانه در نگاه امام خمینی(ره) شامل «ایجاد و بقا (ابتناء به آرای مردمی و مشارکت مردمی)»، «اهداف (مصلحت عمومی) »، «کارکرد و وظایف (خدمت و خدمت گذاری عمومی)» می

[Downloaded from revlink.ir on 2026-11-05]

شود. (جمشیدی، ۱۳۷۸ ،ص۱۹٤) که بعد اول مربوط به مشارکت سیاسی مردم و دو بعد دیگر از ابعاد مردمی بودن جمهوری اسلامی، مربوط به وظایف حکومت اسلامی است.

با این حال در مورد مشارکت پذیری در نظام انقلابی چند نکته قابل بررسی است؛ نخست؛ در مورد کارگزار به عنوان مردم، اولا مشارکت سیاسی در صورتی که آگاهانه و با بصیرت لازم باشد، عامل تحقق نظام مبتنی بر مردمسالاری دینی است. که نمونه عملی آن در عصر حاضر جمهوری اسلامی ایران است. ثانیا این مشارکت تنها مربوط به تاسیس این نظام نیست و ابعاد حمایتی، انتخاباتی و نظارتی را نیز در بر می گیرد. یعنی مردم علاوه بر حمایت از نظام سیاسی در زمانهای بحرانی، بایستی ضمن انتخاب مسئولین رده یک نظام، نسبت به عملکرد آنها نظارت کافی داشته باشند تا نظام سیاسی از مسیر اهداف و آرمانهای خود خارج نشود. ثالثا مردم در این مشارکت بایستی از یکسری ویژگیها برخوردار باشند، که مهم ترین آنها ایمان و داشتن آگاهی و بصیرت است.

نکته دیگر در مورد ساختار که همان نظام سیاسی مبتنی بر مردم سالاری دینی می باشد؛ اینکه اولا این ساختار بایستی شرایط لازم را برای مشارکت مردم فراهم آورد. یعنی علاوه بر اینکه با نظر مردم تاسیس شود، در ادامه فعالیت خود بایستی مشارکت مردم در امور سیاسی مملکت را به رسمیت بشناسد. ثانیا دراین نظام سیاسی موانع تحقق مشارکت سیاسی، مثل استبداد فردی یا گروهی، مرتفع شود و ثالثا بر خلاف نظام های دموکراتیک که مرجع دینی بر ای کنترل مسئولین ندارند، در این نوع نظام سیاسی، با توجه به شاخصهای دینی که در قرآن، نهج البلاغه و روایات ائمه وجود دارد، نهادهای مثل ولایت فقیه و شورای نگهبان، مانع از به قدرت رسیدن افراد یا جریاناتی شوند که هم با اهداف دینی و سیاسی نظام موجود مخالف هستند و هم مانع مشارکت سیاسی مردم می شوند. از این منظر، روابط عمومی صرفاً کارویژه اطلاع‌رسانی ندارد، بلکه یکی از سازوکارهای شبکه‌سازی اجتماعی و تسهیل مشارکت نخبگانی در فرایند حکمرانی محسوب می‌شود.

الزام راهبردی: برای خروج از تمرکزگرایی نهادی، ضروری است اختیارات اجرایی و ارتباطی به مراکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی‌ها در دانشگاه‌ها و سازمان‌ها تفویض گردد. روابط عمومیِ راهبردی می‌تواند با ایجاد شبکه‌های نخبگانی و تشکل‌های دانشجویی، بستر مشارکت واقعی بدنه دانشگاهی و نخبگانی را در تصمیم‌سازی‌های خرد و کلان جمهوری اسلامی فراهم آورد.

۳.خاصیت تعیین کنندگی و جهت‌دهی ارزش‌ها و هنجارها به نهادها و رویه‌ها

یکی از مباحث پر اهمیت ، هماهنگی ساختارها و نهادها با ارزش ها است که در نظام انقلابی، زیربنا، ارزش‌ها و هنجارها می‌باشند و نهادها و ساختارها برآمده از این ارزش‌ها می‌باشند و اولویت و دستورکار اصلی، بازآرایی مداوم و پیوسته نهادها و ساختارها با ارزش‌ها و در راستای حفظ آن‌هاست. از این رو نیاز است که برای بسط عملی حوزه گفتمانی و

[Downloaded from revlink.ir on 2026-11-05]

انتقال آن به عرصه ساختار، رویه هایی حاکم باشد که مسیر انتقال به درستی صورت پذیرد. در واقع رویکردها و سیاستگذاری ها باید در مسیر انتقال ارزش ها به نهادها، همواره پویا باشند. بسترها و زمینه هایی نیز برای این جهت گیری نیاز است که از جمله آنها می توان به: بازیابی و بازتوانی نهادها، تقویت رویه ارزیابی در ساختارها و سازمان ها، پالایش نیروهای انسانی و مدیریت منابع انسانی و بروزرسانی هنجارها منطق با نیازهای فکری روز اشاره کرد. باید در نظر گرفت که به تناسب گذر زمان سیاستگذاری های هنجاری در حیطه سازمان ها و نهادها دشوارتر و از این رو باید کارگزاران قوی و انقلابی بیشتری وجود داشته باشند تا رویه انتقال ارزش ها به نهادها تسهیل سازی شود.

الزام راهبردی: تحقق این مهم مستلزم تدوین پیوست‌های حکمرانی رسانه‌ای و فرهنگی برای تمامی ارگان‌هاست. مدیران منابع انسانی باید با تدوین تقویم محتوایی و شاخص‌های ارزیابی مستمر، اطمینان حاصل کنند که ارزش‌های بنیادین انقلاب به رویه‌های عملیاتی و آیین‌نامه‌های اداری نهادها تبدیل شده و صرفاً در حد شعار باقی نمانده‌اند.

٤.عقلانیت و عدالت محوری

می‌توان گفت عقلانیت و عدالت، ارزش محوری و مبنایی در نظام انقلابی است و بدون توجه به عدالت و تلاش برای تحقق آن، مشروعیت نظام انقلابی با چالش اساسی مواجه خواهد شد. همچنین رهبر انقلاب در باب نسبت انقلاب اسلامی و عدالت بیان می‌دارند: «عدالت، هدف پیغمبران است؛ هدف انقلاب اسلامی هم بوده است. در سایه عدالت، زندگی مردم می‌تواند با رفاه...به سمت اهداف معنوی هم حرکت کند.». بر این مبنا است که بایستی گفت عدالت و عقلانیت (آن گونه که در بیانیه گام دوم نیز مورد اشاره قرار گرفته) از ارزش‌ها، شعارها و اهداف بنیادین انقلاب اسلامی است و بدون این دو یا هر یک از آنان، اصالت و ماهیت انقلاب اسلامی مورد خدشه جدی قرار می‌گیرد. در واقع عدالت، روح، جوهره و فلسفه حکومت اسلامی است. در کنار حفظ روحیه و غیرت انقلابی همواره آنچه مورد تاکید قرار دارد، عقلانیت انقلابی است. گاه دیده می شود که تاکید روی گفتمان انقلابی بدون التفات به ساختارها و انسجام عملی رویکردهای عقلانی را از بستر روحیه انقلابی دور می کند. به بیان دیگر بسترسازی برای گفتمان و بازتولید ادبیات انقلابی باید به تناسب رویه انتقال این گفتمان به شاکله ساختارها باشد. ضمن اینکه باید این رویه جلوه ای از منطق و عقلانیت انقلابی را به همراه داشته باشد. اگر این رویکرد لحاظ شود به صورت ویژه می توان از عدالت نیز سخن گفت. البته باید درنظرگرفت که یکی از دشواری های نظام انقلابی در کنار بسط نظری می تواند به همگرایی معنا و تناسب بین عرصه نرم افزار و سخت افزار برگردد. یعنی نسبت دهی بین ساختار و بروکراسی و گفتمان و عقیده یکی از چالش هایی که می تواند در عین ایجاد اصطکاک نظری و مفهومی، شکاف عقلانیت و روحیه انقلابی را به وجود آورد. در نتیجه آن نیز مفهوم عدالت به خوبی عینی سازی نشود. از این رو باید نظام انقلابی مسیر ایجاد شکاف ها را بیابد.

[Downloaded from revlink.ir on 2026-11-05]

الزام راهبردی: نمود عینی عقلانیت و عدالت در ساختار نظام انقلابی، توزیع عادلانه و شفاف منابع اطلاعاتی، پژوهشی و بودجه‌ای در سراسر سیستم آموزش عالی کشور است. ایجاد تقارن اطلاعاتی و حذف رانت‌های ساختاری، مشروعیت نظام را در نگاه کارگزاران و نخبگان علمی تضمین می‌کند.

۵.اخلاق محوری و مردم‌پایه بودن

یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی، از میان رفتن شکاف تاریخی و طولانی دولت– ملت در ایران بود، چراکه طیف‌های مختلف جامعه ایرانی در سطحی فراگیر در این انقلاب مشارکت داشته و بیش از ۹۸ درصد جامعه ایرانی با رأی به قانون اساسی، همان انقلاب را تائید نمودند. از سویی دیگر از ابتدای پیروزی انقلاب، بسیاری از مسئولان و مقامات از بین معلمان، روحانیان، بازاری‌ها، کارگرها و توده‌های مردم سر برآوردند و بدین ترتیب احساس وجود پیوندهای اساسی بین دولت و ملت همه‌جا ساطع بود. (حشمت زاده، ۱۳۸۵: ۱۲) این سطح از تائید و حمایت یک انقلاب و نظام برآمده از آن توسط مردم، در هیچ مقطعی از تاریخ انقلاب‌ها و کشورهای دموکراتیک، مشاهده نشده است. پس از انقلاب اسلامی و در ٤ دهه گذشته نیز با توجه تهدیدات سخت و نرم (جنگ، کودتا، ترور...) مستمر علیه جمهوری اسلامی، به دلیل حمایت ممتد و فراگیر جامعه ایرانی از جمهوری اسلامی، این نظام توانسته است تا ساخت درونی خود را مستحکم‌تر کرده و ثبات سیاسی خود را تثبیت نماید. درواقع ملت ایران، انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی را محصول چند دهه مبارزه و تلاش خود برای کسب استقلال و آزادی دانسته و در چند دهه گذشته با تحمل هزینه‌های سنگین مادی و معنوی، این انقلاب و نظام را حفظ کرده‌اند. ازاین‌جهت، رابطه نظام جمهوری اسلامی با ملت ایران در ٤ دهه گذشته، مبتنی بر «حمایت»، «همبستگی« و «اعتماد فراگیر و نهادینه» ملت و دولت به یکدیگر بوده و هست. بهترین گواه بر این مدعا، مشارکت سیاسی و حضور پررنگ و بالای مردم در انتخابات‌ها و مناسبت‌هایی سیاسی همچون سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی است. متقابلاً رهبران انقلاب به معنای واقعی کلمه به حیاتی بودن مشارکت و حضور مردم در سپهر سیاسی، باور دارند. در این راستا امام خمینی(ره) بیان می‌دارند: «توجه دارند آقایان که تا ملت در کار نباشد، نه از دولت و نه از استانداران کاری برمی‌آید...ازاین‌جهت همه باید تلاش بکنند تا رضایت مردم را جلب کنند در همه امور». امام همچنین بیان می‌دارند: «آگاهی مردم، مشارکت و نظارت و همگامی آنان با حکومت منتخب خودشان» را «بزرگ‌ترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه» می‌داند. (احمدیان و اسلامی، ۱۳۹: ۱۱۵) ویژگی منحصربه‌فرد نسبت دولت و ملت در نظام جمهوری اسلامی در مقایسه با سایر کشورها و قدرت ها، رابطه‌ای عاطفی و هویتی است.

در واقع، جمهوری اسلامی، نظام مردم‌سالار دینی است که دارای تفاوت‌های مبنایی با مردم‌سالاری در نظام‌های سکولار و یا حتی جمهوری‌های اقتدارگراست. بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی، مردم‌سالاری مبتنی بر دین، امری پذیرفته و موردحمایت است. از نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مردم‌سالاری به معنای ترکیب دین و مردم‌سالاری نیست بلکه یک

[Downloaded from revlink.ir on 2026-11-05]

حقیقت واحد و جاری در جوهره نظام اسلامی است. ایشان فرموده اند: «...وقتی ما می‌گوییم در نظام اسلامی امکان ندارد که مردم نادیده گرفته شوند، پایه و اساس حق مردم در این انتخاب، خود اسلام است». (بیانات در ۸٤/۵/۱۲) از نظر ایشان دموکراسی حقیقی اساساً مردم‌سالاری برخاسته از دین و ایمان است. (خرمشاد، ۱۳۹۳: ۱٤۳) بر اساس نگاه رهبران جمهوری اسلامی، مردم‌سالاری دینی برخاسته از حقوق و تکلیف الهی انسان است و صرفاً یک قرارداد نیست. در چنین فضایی، همه انسان‌ها حق انتخاب و حق تعیین سرنوشت دارند. این امر مشارکت سیاسی و انتخابات در ایران را معنا می‌کند (عیوضی، ۱۳۸۹: ۲۹٦) و بسیار پیشرفته‌تر، معنادارتر و ریشه‌دارتر از مشارکت سیاسی و انتخاب در نظام‌های سکولار که مبتنی بر قرارداد است، می‌باشد. در مردم‌سالاری دینی برخلاف نظام‌های سکولار، بر حقوق فردی و اجتماعی به‌صورت یکسان تأکید می‌شود درحالی‌که در لیبرال دموکراسی فقط بر حفظ حقوق فردی و در سوسیال‌دموکراسی بر حفظ حقوق اجتماعی تأکید می‌شود. همچنین اصالت قائل شدن برای خود مردم و نمایندگان آن‌ها، از دیگر مزیت‌ها و تفاوت‌های مردم‌سالاری دینی با نمونه‌های سکولار است. (عیوضی، ۱۳۸۹: ۲۹۷)

الزام راهبردی: بهره‌گیری از ظرفیت‌های روابط عمومی و رسانه‌ای برای بازسازی، حفظ و تقویت اعتماد نهادی (Trust Building) میان دولت و ملت، یک ضرورت سیاستی است. ساختارها باید با اتخاذ رویکرد پاسخگوییِ شفاف و اخلاق‌مدارانه، شکاف‌های احتمالی میان کارگزاران و توده‌های مردم را ترمیم نمایند.

٦.درون‌زایی و تاب‌آوری

نظام انقلابی ضمن ارتباطات هوشمندانه و پویایی در روابط و مناسبات خارجی، متکی به درون است و این امر لازمه اصلی برای تامین پایدار استقلال ملی و عدم وابستگی و اثرپذیری است. بنابراین درون‌زایی و به تبع آن تاب‌آوری، از ویژگی‌های نظام انقلابی است. استحکام ساخت درونی، معطوف به پیشرفت، قوی شدن، و تحقق نظریه مقاومت است. از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، استحکام بخشی ساخت درونی «راه‌حل اصلی مشکلات کشور»، «لازمه موفقیت دیپلماسی»، «عامل افزایش اقتدار بین المللی نظام»، «بزرگترین بازدارنده»، «لازمه الهام‌بخشی برای سایر ملت‌ها» و... می‌باشد. یکی از بدیهیاتی که نظام انقلابی با آن مواجه هست و خواهد بود جهت گیری های ناهمسویی است که از ابتدای انقلاب تحمل کرده و در آینده نیز با آن مواجه می شود. به ویژه که در گام دوم انقلاب و دهه های پیش رو یکی از چالش هایی که نظام انقلابی با آن روبه رو است وجود جریان سازی های دروغین و عنادهای متوالی است که در تناسب با مظاهر نوظهور دارای پیچیدگی و با استفاده از ابزارهای گوناگون نیز خواهد بود. از این رو خاصیت نظام انقلابی باید تاب آور و مقاوم باشد. بسط مفهوم مقاومت و مقاوم اندیشی یکی از چارچوب هایی است که نیاز نظام انقلابی برای دهه های آینده است. در واقع باید ادبیات تاب آوری و مقاومت به نسبت تحولات روز مفهوم سازی شود. به نظر می رسد که یکی از بسترهای مفهوم سازی تحولات و روندهایی است که در بطن و پیرامون نظام انقلابی شکل می گیرد و

[Downloaded from revlink.ir on 2026-11-05]

خواهد گرفت، اما باید این درون گرایی پایدار در بطن نظام انقلابی باشد تا قدرت مفهوم سازی را در خود نهادینه سازد. در واقع یکی از الزامات نرم افزاری نظام انقلابی توان مفهوم سازی و روندسازی است تا بتواند ادبیات و گفتمان انقلابی در مسیر امتداد قرار گیرد.

الزام راهبردی: تاب‌آوری ساختاری نیازمند ارتقای سواد رسانه‌ای در سطح جامعه و ایجاد سازوکارهای پدافند شناختی است. نظام انقلابی باید شبکه‌های تحلیل داده مستقلی ایجاد کند تا در برابر جریان‌سازی‌های دروغین، عملیات روانی و بمباران اطلاعاتی بیگانگان، قدرت مقاومت و مصونیت درونی داشته باشد.

۷.دانش‌بنیان و خلاق محور بودن

یکی از الزامات مهم در عرصه نظام انقلابی با دورنمای آینده، توجه به دانش بنیان ها و خلاقیت محوری است. البته بعد از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از دستاوردهایی که در مسیر آرمان ها بسیار مورد توجه قرار گرفته است، رویکردهای دانش افزایی و توجه به علم و فناوری است. همچنان که رهبر معظم انقلاب همواره بر این اصل تاکید کرده اند. دستیابی به فناوری و دانش کامل چرخه سوخت هسته‌ای و قرار گرفتن در ردیف پنج کشور برتر جهان در این زمینه و همچنین ورود موفقیت‌آمیز و همزمان با سایر کشورهای پیشرفته به عرصه علوم جدید مانند: نانوفنّاوری که رتبه هفتم جهانی را به خود اختصاص داده، رتبه نخست ایران در حوزه فن‌آوری‌های فضایی منطقه همچنین و سایر علوم جدید از جمله؛ لیزر، میکروالکترونیک، ورود به علم ساخت روبات و کسب موفقیت‌های جهانی در مسابقات روباتیک، توسعه سخت‌افزاری و ساخت ابررایانه، توسعه نرم‌افزاری و بهره‌برداری گسترده از علوم رایانه‌ای در کشور و کسب مدال های مختلف علمی بخش دیگری از دستاوردهای انقلاب اسلامی است. بدیهی است که دستاوردهای انقلاب اسلامی در سایه خودباوری قابل بررسی و تحلیل است. به ویژه که در بستر نظام انقلابی آنچه مورد اهمیت است، استفاده بیشتر از ظرفیت ها با توجه به محذوراتی است که همواره وجود داشته است. اما نکته مهم در کنار بخش سخت افزاری و دستاوردهای ملموس انقلاب در عرصه علمی و دانش افزایی، گفتمان پیشرفت و کارآفرینی و خلاقیت است که با تکیه به فرمایشات رهبر معظم انقلاب در جامعه نهادینه شده است. بدیهی است که در گام دوم، نظام انقلابی باید بتواند ریزگفتمان های بیشتری از مقوله پیشرفت و تعالی تولید و بازتولید کند. این گفتمان سازی و گفتمان گرایی می تواند زمینه ساز خلق رویدادها و بسترهای خلاق در جامعه نیز به حساب آید. نکته مهم تر در این زمینه تجهیز دانشگاه ها و ارگان های پژوهشی به عنوان بستر اصلی و بازوی پرتوان تولید گفتمان پیشرفت و دانش افزایی است. بسترهایی که می توانند مسیر صحیح خلاقیت و کارآفرینی را با توجه به بینش و روش اسلامی و در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی پی بگیرند. این مهم با توجه به ورود رشد مظاهر نوظهور در عرصه فناوری و نوآوری و تمرکز دنیای سرمایه داری برای خلق ثروت از دانش باید بیشتر مدنظر قرار گیرد.

[Downloaded from revlink.ir on 2026-11-05]

در این راستا تکیه بر گفتمان پیشرفت و بازتولید ریزگفتمان ها در این عرصه می تواند زمینه ساز رویه پویا در جهت شکل گیری توان خلاقیت پروری و دانش افزایی خواهد بود.

الزام راهبردی: سیاست‌گذاری‌های آینده‌نگرانه باید بر مبنای هوشمندی و رصد دقیق شکل گیرند. استفاده از روش‌های نوین مانند هوش منابع آشکار (OSINT)، ابزارهای رصد دیجیتال و بهره‌گیری از هوش مصنوعی در تحلیل روندها، به نهادهای سیاست‌گذار کمک می‌کند تا رویکردی پیش‌دستانه، خلاقانه و کاملاً دانش‌بنیان در مدیریت تمدن نوین اسلامی اتخاذ کنند.

نتیجه گیری

این نوشتار با تکیه بر اصل تداوم و امتداد گفتمان انقلاب اسلامی، نظریه نظام انقلابی را نه یک وضعیت ایستا، بلکه یک فرایند پویا و مستمر در مسیر دولت سازی، جامعه‌پردازی و تمدن سازی تلقی کرده است. بر این اساس، مقاله حاضر کوشید از سطح تبیین‌های کلی و صرفاً آرمانی عبور کند و پرسش از الزامات تحقق و پایداری نظام انقلابی را به‌صورت ساختاری و سیاستی صورت‌بندی نماید.

یافته‌های پژوهش نشان داد که امتداد نظام انقلابی در گرو توجه همزمان به مجموعه‌ای از بایسته‌های ساختاری و نرم‌افزاری است که در این تحقیق در قالب هفت محور اصلی شامل: پویایی و انعطاف ساختاری، ساختار مشارکت‌پذیر و غیرمتمرکز، جهت‌دهی ارزشی نهادها و رویه‌ها، عقلانیت و عدالت‌محوری، اخلاق‌محوری و مردم‌پایه بودن، درون‌زایی و تاب‌آوری، و دانش‌بنیانی و خلاقیت‌محوری صورت‌بندی شده است. این بایسته‌ها نشان می‌دهند که حفظ ماهیت انقلابی نظام، صرفاً با تأکید بر آرمان‌ها ممکن نیست، بلکه نیازمند ترجمه نهادی و رویه‌ای این آرمان‌ها در ساحت حکمرانی است.

نوآوری پژوهش حاضر در آن است که برخلاف بخش مهمی از ادبیات موجود که بیشتر بر چیستی، مبانی و امکان تداوم نظام انقلابی تمرکز داشته‌اند، این مقاله به سطح «مدیریت راهبردی و ساختاری» ورود کرده و کوشیده است پیوند میان گفتمان انقلاب اسلامی و سازوکارهای نهادیِ حکمرانی را توضیح دهد. از این جهت، پژوهش حاضر تلاشی برای گذار از بحث‌های صرفاً توصیفی و انتزاعی به سوی یک چارچوب تحلیلی-تجویزی در حوزه نظام انقلابی به شمار می‌رود.

از حیث کاربردی نیز، صورت‌بندی «الزامات راهبردی» در ذیل هر بایسته، این امکان را فراهم می‌سازد که یافته‌های پژوهش در حوزه‌هایی چون سیاست‌گذاری عمومی، حکمرانی فرهنگی، مدیریت رسانه‌ای، نظام آموزش عالی، و طراحی سازوکارهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار گیرد. بدین معنا، مقاله حاضر می‌کوشد میان ادبیات نظری انقلاب اسلامی و نیازهای اجرایی نهادهای حاکمیتی و عمومی پیوند برقرار کند.

[Downloaded from revlink.ir on 2026-11-05]

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که تحقق نظام انقلابی، بیش از آنکه صرفاً به بقا و تکرار شعارهای انقلابی وابسته باشد، نیازمند بازتولید مستمر ساختارها، رویه‌ها و کارگزارانی است که بتوانند گفتمان انقلاب اسلامی را در شرایط متحول اجتماعی و شناختیِ امروز بازخوانی و اجرا کنند. ازاین‌رو، بسط مفهومی این بایسته‌ها و آزمون آن‌ها در مطالعات موردیِ نهادهای حاکمیتی، می‌تواند مسیر پژوهش‌های آینده در حوزه مطالعات بین‌رشته‌ای انقلاب اسلامی را هموارتر سازد.

محدودیت‌ها و پیشنهادها

پژوهش حاضر به دلیل اتکا به تحلیل اسنادی، ناظر به سطح مفهومی و هنجاری نظریه نظام انقلابی بوده و وارد سنجش میدانی میزان تحقق این بایسته‌ها در نهادهای اجرایی نشده است. ازاین‌رو پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، این الگوی هفت‌گانه در قالب مطالعات موردی در نهادهایی چون دانشگاه‌ها، سازمان‌های فرهنگی، رسانه‌ای و دستگاه‌های سیاست‌گذار آزمون و ارزیابی شود تا ظرفیت تبیینی و اجرایی آن با دقت بیشتری سنجیده گردد.

[Downloaded from revlink.ir on 2026-11-05]

منابع

- احمدیان، مجتبی و روح‌الله اسلامی (۱۳۹۲)، «نگرش‌سنجی رابطه‌ی دولت و ملت در ایران»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال یکم، شماره چهارم.

-جمشیدی، محمد حسین (۱۳۷۸)،ویژگیهای حکومت مطلوب از منظر امام خمینی(ره) ،حکومت اسلامی،سال چهارم زمستان،شماره چهارم

- حشمت زاده، محمدباقر (۱۳۸۵)، «جامعه‌شناسی سیاسی ایران»، نشریه زمانه، شماره ۵۳ و٥٤.
- حشمت‌زاده محمدباقر (۱۳۸۸)، نفت ایران بین دو انقلاب، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- خرمشاد، محمدباقر و سیدابراهیم سرپرست سادات (۱۳۹۳)، «مسئله و الگوهای مردم‌سالاری دینی»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره ۱۰.

-خرمشاد، محمدباقر (۱۳۷٦)، «گستره انقلاب اسلامی»، قم: نشر معارف.

- رحمانیزاده دهکردی، حمیدرضا (۱۳۷۵)، «مارکسیسم شوروی و نظریه پایان عصر انقلاب های اجتماعی»، اطالعات سیاسی اجتماعی، شمارهٔ ۱۱۲-۱۱۱

- سرپرست سادات، سیدابراهیم (۱۳۹۸)، «جامعه‌پردازی در گام دوم انقلاب اسلامی با نظریه نظام انقلابی»، نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، شماره ۲

-عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸٤)، «انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن»، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۹)، «مقایسه مردم‌سالاری دینی و لیبرال دموکراسی»، فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۲۱.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۱)، «انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و ریشه‌های آن، تهران: نشر معارف.-
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، «پیرامون انقلاب اسلامی»، تهران: انتشارات صدرا.

[Downloaded from revlink.ir on 2026-11-05]